

قيمت سالانه  
ازوزرا واعيان دولت بقدر  
معارف دوستي شان

براي مکاتب ملي و کتب خانه اي ملي  
ومعاونين و وقایع نکاران (فخری)  
را يگان

از عموم خریداران در داخله  
(۱۲) روبه کابلي در خارجه  
هم پوند انگلیسي با محصول پوته

از طلاب و محصلين نصف قيمت  
شماهه

داخله خارجه  
(۸) روبه (۷) شانگ

تاریخ فری (اول) رمضان (۱۳۴۴) هجری

درین جريده از هر كونه علوم و وقایع سیاسی

و منافع دولتي و فوائد ملي بحث ميشود

اداره خانه

(ده افغانستان کابل)

سرد بير

سید محمد قاسم

امه امور تحریر به بنام

اداره فرستاده شود

اداره در انتشار و اصلاح مقارات

وارده مختار است

هر هفته يکبار نشر ميشود

او را يکه درج نشود اعاده نميشود

# امان وحدت

۱۳۷۳ ع

از ابنای وطن هر که اهل دیده شد بدون خواهش

جريدة برایش فرستاده ميشود

قيمت يك شماره يك عباسی

تاریخ شمسی ۲۶ حوت ۱۳۰۴ هجری

## در اطراف کنفرانس لوکارنو

(نتائج کنفرانس)

معاهدات تحکیم و حفظ امنیت

(۴)

(پس از شماره ۲۹)

(۲) معاهده میان وبلژیک

امضا کشته گان ذیل این معاهده که قانوناً صاحب اختیار میباشدند، از طرف حکومتهای شان مکلف شده اند برای تحدید طرق مؤدیه به حل دوستانه جمیع مسائل که میان المان و بلژیک دوستانه امکان حل شدن نداشته است. این تکلیف بروفق ماده سوم معاهده ایست که امروز میان المان و بلژیک و فرانسه و انگلیس و ایطالی انعقاد یافت. امضایکشته گان ذیل مقررات آتیه را قبل دارند.

(قسم اول)

ماده اول — هر نوع منازعاتیکه میان المان و بلژیک پیدا می شود و فریقین برحق خود در امر ممتاز فی مختلف میشوند و حل دوستانه این اختلاف به طرق سیاسته عدیه مشکل شود مسئله به « محکمه تحکیم » یا « محکمه عدیه دائمی بین المللی » برای لاضع مقررات دران خصوص بطوریکه در ذیل تبیین شده است عرض میشود. طرفین متعاقدين تسلیم دارند که منازعات فوق الذکر بتخصیص شامل امت منازعاتی را که در ماده

(۱۲) قرارداد جمع اتفاق مال ذکر یافته است. این حکم برمنازعاتیکه از حوادث پیشتر ازین قرارداد کنونی نشأت نموده مخصوص گذشته باشد، تطبیق نمیشود، اما منازعاتیکه برای حل آنها نظامنامه مخصوصی در قرارداد های دیگری وضع شده و میان آلمان و بلژیک معمول است، مطابق به احکام این معاهده حل وتسویه می شود.

ماده دوم — طرفین در صورت اتفاق شان میتوانند که پیشتر از التجاء به محکمه تحکیم یا محکمه عدیه دائمی بین المللی زراع ماینی شان را برای حل وتسویه دوستانه به کمیون بین المللی دائمی که کمیون اصلاح نماید میشود و بر طبق مقررات حالیه تشکیل می یابد، عرض نمایند.

ماده سوم — هرگاه میان طرفین زراعی پیش آید که در دارا ره اختصاصات محکم محلیه یکی از فریقین داخل باشد، برای بینجین یعنی مسئله ممتاز فیه قواعد مذکوره در این معاهده تطبیق نمیشود مگر که سلطه قضائیه که حل نزاع از اختصاصات اوست حکم نهانی خود را دران خصوص در خلال يك مدت معقول صادر نموده باشد.

ماده چهارم — کمیون اصلاح دائمی که در ماده دوم ذکر یافته از (۵) نفر اعضا تشکیل و برقرار آنی تعین میشوند: هریک از حکومت المان و بلژیک یکنفر نماینده از تبعه خویش اختیار مینمایند، سه نفر دیگر را هردو حکومت باتفاق هم از تبعه دول دیگر بشرطیکه از اقوام مختلف باشند اختیار و تعین مینمایند. رئیس کمیون را هردو حکومت از بین همین سه عضو معین میکنند این نماینده ها برای سه سال تعین میشوند، و ممکن است مدت

تین آنها تجدید بشود. نایابد های مذکور تازمانیکه دیگری جای اوشان را انتقال نماید و ظائف خوب برقرار می نمایند. و به حال دروغ ظائف خوش باقی نباشد تا که عمل موجود بدل شان از سبب اشها و مدت تعین اوشان ختم شود. در موقعیکه منصب یکی از نایابد ها بسب وفات یا استعفای یا بسب دیگر خالی شد عوض او در تزدیکترین مدت ممکن بطريق مقرره برای تعین نایابد، تعین می شود.

ماده پنجم - کسیون دائمی اصلاح درین سه ماه از ابتدای تقدیم این معاهده تشکیل میابد، هر کاه تعین نایابد هاییکه باتفاق حکومتین مذکورین تعین می شوند در ظرف سه ماه مذکور صورت نگرفت، از «ریس الحلف» لویس پرسیده می شود که در صورت فقدان، یک قرارداد دیگر تعینات لازمه را اجرا دارد. و یعنی هین قاعده در موقع خالی شدن جای یکی از نایابد ها و عدم اتفاق در تعین عوض اودرین سه ماه از خالی شدن جای او، تطبیق می شود.

ماده ششم - از وقوع نزاع به کسیون دائمی اصلاح ابلاغ می شود، و طرفین متفقاً ابلاغیه را به ریس کسیون می فرستند و در صورت عدم توافق طرفین یکی از آنها می فرستد، این کسیون انتخاب نماید اجتماع می نماید ما دامیک طرفین متعاقدين بر جیز دیگر اظهار موافقت نکرده باشد.

مقررات موضوعه را قبول نمودند. شرائط اتفاق فریقین را اگر حاجت به آن می پسند نبز ذکر می نماید، اما در صورت عدم اتفاق فریقین به تسویه کسیون در لائحة خود مینویسد که تو به حاصل نشد.

بایسی اعمال کسیون دائمی اصلاح در خصوص هنرخانه درین (۶) ماه از تاریخ ابلاغ نزاع به اوشان عام شود مگر که طرفین به یک صورت دیگر اظهار موافقت نمایند.

ماده هم - کسیون دائمی اصلاح نظامنامه مخصوص کارهای خود را وضع نمایند مادا میکه خلاف این شرط نشده باشد، اما بهر صورت تصریح به نظامنامه واستعمال فریقین آن را واجب است. لا کن در خصوص امور متعلقه به تحقیقات می باید که کسیون اصلاح بموجب نص ماده سوم (کسیون نهای تحقیقات دولی) از قرارداد لاهای که دو (۱۸) اکتوبر (۱۹۰۷ م) در خصوص تسویه دوستانه منازعات دولی وضع شده عمل نماید کسیون به اتباع نصوص واحکام مذکوره مقید می شود مادام که به اتفاق آرا غیر ازان چند دیگری قرار داده نشده باشد.

ماده دهم - کسیون دائمی اصلاح دریک جائیکه رئیس

کسیون انتخاب نماید اجتماع می نماید ما دامیک طرفین متعاقدين بر جیز دیگر اظهار موافقت نکرده باشد.

ماده یازدهم - عملیات کسیون دائمی اصلاح علی خواهد بید مگر که فریقین به علی بودن آن اظهار اتفاق نمایند.

ماده دوازدهم - هر یک از متعاقدين حق دارند که به حضور کسیون اصلاح معتمد مخصوصی بفرستند وظیفه این معتمد توسط میان حکومتش و کسیون خواهد بود و به علاوه این معتمد حق خواهد داشت که مستشار و متخصصینکه از ورد خصوص غرض معاونت نمایند نگه دارد و از کسیون خواهش کند شنیدن شهادت جمع اشخاصی را که از شنیدن شهادت آنان برای خود فاقد می بیند کسیون اصلاح حق دارد که طاب کند اینجا زبانی از معتمد و مستشار و متخصصینکه به یکی از متعاقدين احتصاص دارد و یعنی از جمع اشخاصیکه در خواست اوشان این اتفاق داده شود.

ماده هفتم - هر یک از حکومت آلان و بلژیک در خلال

(۱۴) روز از تاریخ عرض نزاع به کسیون دائمی اصلاح برای تحقق مینهند نایابد خود را که در کسیون است به یک نایابد دیگر که در مسئله منازعه از اهل احتجاص باشد عوض نماید. طرفیکه این حق خود را مخصوص استعمال نایاب لازم است بر او که درین زمان به طرف مقابل اطلاع بدهد. در این موقع طرف مقابل هم حقدارد که عین عمل فوق را در ظرف (۱۵) روز از حين رسیدن خبر مذکور به او معمول دارد.

ماده هشتم - وظیفه کسیون دائمی اصلاح تحلیل مسائل منازعه و فراهم نمودن جمع معلومات لازمه دران خصوص است خواه از راه تحقیق باشد یا از راه های دیگر. کسیون بعداز تحقیق مسئله شرائط تسویه نزاع را طوریکه مناسب دید به طرفین ابلاغ و برای وضع مقررات در آن خصوص موعدی تعین نماید.

بعداز آن که کسیون از کار خود فراغت یافت لائحة مینویسد و دران لائحة در صورت اتفاق طرفین ذکر نماید که طرفین

خوبی تصرف نماید، در حالت عدم ابلاغ به کسیون دائمی اصلاح از زراع، تدبیر موقعه را که اتخاذ آن واجب است وضع نماید. و در موقعیکه مسئله به جمع اتفاق ملل عرض شود از وا جیات نوست که به اتخاذ تدبیر موقعه منابع اقدام نماید هر یک از حکومت آلان و بلژیک در خصوص انججه مربوط است به او تمد نماید قبول این تدبیر را وامتناع نماید از اقدام هر نوع تدبیر دیگری که باعث می شود احداث اثری را که بر می خورد به تغییر این قرار داد پایمی خورد باترتیاتیک کسیون دائمی اصلاح یا جمع اتفاق ملل بیشتر نماید.

و نیز علی العموم قصد می نماید که از هر نوع عملیکه موجب صعوبت یاتوسع داره خلاف گردد احتزار نمایند.

ماده بیست و یکم - این قرارداد میان آلان و بلژیک معمول میگردد ول دوبل دیگر در نزاع ذی حق هم باشد.

ماده بیست و دویم - واجب است که اتفاق کنونی قطعاً متعاقدين اتفاق در باره «تواافق» مخصوص، فوق الذکر حاصل نشده هر یک از اوشان حق دارد که بس از گذشتگی کمای از اطلع دادن بطرف مقابل خود نزاع را بصورت معروضه به محکمة عدیله نین دول دائمی تقدیم اتفاق ملل در زینو در عین زمانیکه صورتهای قطعاً تصدیق شده معاوه که اصرور میان آلان و بلژیک و فران و برطانیه و ایطالیه عقد شده گذارده میشود و شروع میشود شفید آن در عین موعده و به عین شرط معتبره برای معاوه مذکوره ازین معاوه میگردد نخیر شده که آن هم در اوراق جمع اتفاق ملل گذارده میشود و از سکرتر عموی خواهش می شود که هر یک از حکومتین متعاقدين نقل آن را موافق اصل بدهد.

لوکارنو (۱۶) اکتوبر ۱۹۲۵ م

(۳) معاوه میان فرانسه والان حاجت به ذکر این معاوه دیده نمیشود چون که عین معاوه فوق الذکر است که میان آلان و بلژیک اتفاق دافته صرف تفاوت این است که بجزای بلژیک فرانسه مرقوم است. (ناتمام)

## ﴿جامعه ملل و آینده آن﴾ ﴿از حل المتن﴾

مکرر نگاشته این که جامعه ملل یک از نیزه های دول فاتح است برای بقای اتحاد خود شان در اعوام و اضطرابات دول کوچک. روز نامه جات ساویت جامعه ملل ژنو را سلاح خانه دول کوچک و اقوام ضعیف نگاشته و دول انگلیس را داروغه آن مینگاره. ما هیچ وقت به این جامعه و اینگوچه جوامع سایرون مختلف الاعراض عینده نداشت و نداریم. جمل ساله که تخریبه شخصی مال است کانفرانس های غرگ و جامعه صلح عکمه عدیله دائمیه نین ملکی که بروفق ماده (۴۱) از نظامنامه

مادة چهاردهم - هر یک اتفاق میگرد و مقدار مواجب را حکومت امان و بازیک متفقاً تعین نموده و هر یک از او شان نصف مواجب را می بردازد.

مادة پانزدهم - هر گاه اتفاق دوستانه توسط کسیون دائمی اصلاح حاصل نشد، بمحض یک توافق مخصوص طرفین، مسئله به محکمه عدیله دائمیه نین ملکی عرض می شود، این محکمه درین خصوص تابع شرایط معینه نظامنامه خوبی خواهد بود، و یا مسئله به محکمه حکمیت تقدیم میشود.

این محکمه هم به شرط وظایف نایابیکه در قرارداد (لاهای) در ۱۸ اکتوبر (۱۹۰۷ م) برای تسویه دوستانه منازعات دولی وضع شده تابع خواهد بود

هر گاه میان طرفین متعاقدين اتفاق در باره «تواافق» مخصوص، فوق الذکر حاصل نشده هر یک از اوشان حق دارد که بس از گذشتگی کمای از اطلع دادن بطرف مقابل خود نزاع را بصورت معروضه به محکمه عدیله نین دول دائمی تقدیم اراده دارد.

### (قسم دوم)

مادة شانزدهم - جمع مسائل منازع فی که حکومتین آلان و بلژیک توانستند موفق بشوند به حل دوستانه آن از روی

طرق عادیه سایه و نیز حل آن از روی احکام قضاییه طوریکه در ماده اول این معاوه ذکر یافته مشکل بود و نیز مقررات دیگری که میان طرفین موجودست توانست تصریح نماید به دلیل

نظامیکه بران سیر شود در خصوص تسویه نزاع، عرض میشود به کسیون دائمی اصلاح، لازم است بر کسیون که طرفین حل مقولی پیشنهاد و هر حال لائحة دران خصوص تقدیم نماید. درین خصوص عمل می شود بر نظام منصوص در باده های (۶ - ۱۵) مقررات کنونی.

مادة هزدهم - هر گاه میان طرفین در خلال دوام از ختم اعمال کسیون دائمی اصلاح موافقت حاصل نشده بنا بر

خواهش یکی از فریقین مسئله به جمع اتفاق ملل تقدیم می شود و جمع بروفق ماده (۱۰) از مقررات جمع اتفاق ملل چاره

### (احکام عمومی)

مادة نزدهم - در جمع احوال مخصوصاً که مسئله منازع فی میان فریقین نایابی از اعمال باشد که انجام یافته یا ناشی از خلاف در خصوص کسیون پانزده دائمی اصلاح یا عکمه عدیله دائمیه نین ملکی که بروفق ماده (۴۱) از نظامنامه

اول — درجه تعالی وتساوی را با تمام اجزاء جامعه دارا باشد  
دوم — اینکه عضویت دائمی جامعه را داشته باشد.

سوم — آلمانیم بتواند در مسائل را جمه خود بخواهد  
مراجمعه نماید، منجمله مسئله ذمہ واری جنک است که آلمانیان  
بپرچم بر خود قبول نمیکنند. و پیر مسئله بازگشت مستعمرات  
آلمان است باو و لو باسم سرپرستی باشد اعضای بزرگ جامعه  
بین مسائل تن در نداده همین تبانی افکار بسب عدم شمولیت  
آلمان در جامعه ملل گردید. جه اگر مسئله ذمہ واری جنک  
را که متحدین به آلمان داده موضوع بحث آمده و مرتفع  
گردد عنوان غرامت جنک که مبتلا شمام دول است زیر و بالا  
میگردد. در موقع مقتضی ممکن است آلمانیها و از گونه جوان  
خوارات خویش را طلب کنند. و مسئله بازگشت مستعمرات  
به آلمان پیر زایون را به اندیشه اندخته چه مستعمرات عده  
آلمان که در چین حاصل نموده بود امروزه بقیه اوت. در

لوکارنو متر چیزیان و زیر خارجه انگلستان دوستانه چین  
تصفیه نموده آلمان بدون هیچ شرطی خواستار

عضویت جامعه ملل بگردد و ضمایم با اطمینان داده شده  
عنده واری جنگ قرار یافت موقعاً آلمان مسکوت عنه گذارد

فرانسه را عضویت دائمی آلمان در جامعه ملل مورث تشویش آمده  
هرچه تصور کرده است که انگلستان در باطن جانی آلمان است  
و چون به تازگی با ایطالی نیز تعاملات سیاسی انگلستان محکمتر

میگردد در این صورت ممکن است که در مسائل راجعه به جامعه  
فرانسه اکثریت حاصل کند. جه اگر ایطالی و انگلیس و آلمان  
یکطرف شدند فرانس تها خواهد مماد و در صورت هم که زایون

اید اما عقیده ما همان است که مکرر نکاشته ایم که ما این  
جامعه را ذره هم بحال ملل سایر خصوصاً ملل ضعیفه بجا  
ملل آسیا مفید و سودمند تصور نموده و تئی نیام. در هر

چین ریخته که به دولت را که امید تائید از آنها دارد شامل  
در عضویت دائمی جامعه نماید یکی از آنها لهستان (بولوف)

چه اگر آلمان به تنها عضویت دائمی جامعه را حاصل نموده  
قطعاً فرانسه که زیان خود را تلقی یابد تراک عضویت جامعه را  
خواهد نمود. و بمجردی که از عضویت جامعه علیحده گی

اختیار نماید چون استقامت به سیاست انگلادی امروزه غیر  
ممکن است خواه مخواه دست به طرف روس و ترک دراز  
خواهد نمود و طبعاً اسas جامعه را متزل خواهد ساخت

در سوریه که سایر دولتی هم که عضویت دائمی جامعه را خواستار

آمده قبول شود این کثر اعضا با آن هم اغراض متناوته غنوهای

کردن کافت بزرگترین اسباب اختلاف و انهدام جامعه خواهد شد

عمومی و ترک سلاح و آمثال آن خیلی دیده نطق های انسان  
پروانه سیاسیون را ملاخت کرده چون صمیمیت در آنها بود  
ذره هم به نمدن جامعه ملل فائدہ نمیخورد. تا وقتی که افس اض  
دول بزرگ که مؤسس جامعه هستند از پیش رفته حافظ جامعه  
بوده و خواهد بود و همین که نقشه را برخلاف خود یا بند،  
هان مویین بست پا به جامعه زده و خواهد زد. هر گز  
فرانسوی نیکنیم نطق های نوید بخش امیرا طور روس را که در  
افتتاح مجلس صلح عمومی (لاهه) خوانده شد و طولی نه کشید  
که هان امپراتور صلح خواه بست با این مجلس صلح عمومی  
لاهه زده پیرامون جنک زاپون در اقصای شرق و آن خوزنی های  
بزرگ گردید. هنوز ار کان جامعه ملل در زیو حکم نه شده  
بود که مولیون که امروز دکتاتور ایطالی شناخته آمده جهازات  
جنگی خود را باقیون بخوبی به جزیره یونان فرستاد. وقتی که  
جامعة ملل مراجعت و خواستند جلوگیری از ایطالی کنند یک  
نهیب مولیون اعضا جامعه بر خود لرزیده این ظلم فاحش  
را بر یونان روایده سکوت اختیار کردند. ایطالی جامعه ملل را  
نهید کرد و حاضر گردید که اگر رخنه اندازی در اقدامات  
ایطالی شود ترک عضویت جامعه را گوید. جامعه ملل به عقیده  
ما تا امروز یک قدم عملی برای فائدہ عمومی برداشتیه یا توائیه  
است بردارد. ولی بدون شبیه نطق های قشنگ و غایشهای تند  
نمایخی داده شده البته جامعه ملل هر وقت و هر جا توائیه با  
خواسته دخالت در معاملات دول کوچک نموده است. جمهوری  
گرجستان یک از اعضا جامعه ملل بوده و گویا تاکنون هم  
هست در موقع فشار اخیره حکومت ساوت که خانه استقلال  
داخلی او شد یک هیجان زبانی در اعضا جامعه پدید آمد؛  
ولی چون مدعی گردن کلفت بود و از عده و چاره آن پیرون  
نمی آمدند ساکت گردیدند. فائدہ که جامعه ملل زیو رسانیده  
هانا تصدیق سرپرستی های تازه دول بزرگ است مانند سرپرستی  
عراق فلسطین سیدیا و وو و

اینک که از شرکت آلمان در جامعه خوف آن میرود که به  
منافع دول بزرگ خدش وارد آید پرینگهای تازه ریخته کم کم  
مخالفت عانی شده و همین مخالفت دیر باز نمود ممکن است جامعه  
ملل زیو را هم خواهای مجلس صلح لاهه بازد و دیری نگردید که  
تار و پیو جامعه از هم باشید و جزئی در تاریخ از روی باقی نه ماند.  
کلیه ما این است که در هر عمل که عاملین آن با خلوص  
باشند به آخر توانند رسید.

از این سال پاییزه دولتین فرانس و انگلیس به ملک ایطالی  
ساعی آمدند که آلمان را در جامعه ملل پوشانند داده و مانند  
سایر دول کوچک تخت فشار خویشندن آورند. آلمان عاقبت  
بعد شرکت لخود تیز دیده به شرط: از این پس

یعنی دول بزرگ که این امام زاده را برای خود ساخته بودند  
خواهد دید که نمی توانند منافع متصوره را با ازدیده اعضا  
حاصل کنند این روح خود شان بالطبع یک بعد بزرگ از عضویت  
خارج خواهد گردید. و اگر هم علناً خارج نشوند دلیل  
به مسائل جامعه ابراز نخواهند داد و همین نکات بتدریج حیث  
جامعه را از میان برده خود بخود مض محل خواهد ساخت.  
و ماهیت افسوس خواهیم خورد از آن مبلغ های گذافی  
که دول ما در شرکت این جامعه بدون بردن ذره فائدہ  
داده است.

## نطق اعلیحضرت غازی

(در نتیجه سفر خیریت اثر (۳۵) روزه شان)

باشرف الامصار قدهار در قصر دلکشی کابل

(۲)

### (تجارت و زراعت)

بعد ازین اوراق تدقیقیه تجارت و زراعت برایم رسید.  
موادیکه تدقیش شده بروفق این لانه است که برایتان خواهد  
میشود (لانه را که مبنی بر مواد تدقیقیه امور تجارت و زراعت  
قدھار بود سرمنشی صاحب باواز بلند قرائت فرمودند)  
مدیر کرک قدرهار تمام کارهای خود را برطبق قانون  
موضوعه اش اجرا نموده بود، یک پسه محصول نه بالای تجار  
مانده و نه در خود خزینه کمرک علاوه بر ایام مقررة آن مانده  
شده بود بلکه باوقات مقرر که کارهای خود را بکمال فعالیت ایفا  
بود تمام هیئت اداره کمرک کارهای خود را بکمال فعالیت ایفا  
داشته در امورات موظنه خویش اندکی سی و تنبی را بخود راه  
نداشته بودند نسبت به سالهای گذشته چون محصول شماهه او  
از روی تخمین سنجیده شاهد چنین افزون و زیبایت را نیز نشان  
میداد. پس ازین برای مدیر کرک آنچه نشان درجه اول استور  
و برای سرکات او که وی نیز در بخدمات باوی شریک است  
نشان حسن خدمت داده شد. اما درین خصوص از مدیر کرک  
کابل اظهار مسرت و تشکر میکنم که کارهای کمرک آنچه را  
بسیار خوب تلقیم و ترتیب داده یک اسas بسیار خوبی برای  
شان گذاره مکافات اورا نیز از قدرهار خبرداش که برایش در کابل  
داده شود میدانید که مجازات و مکافات قدهار را چرا زود زود  
درعرض اجرا آوردم تا کساییک در کارهای شان نقص و ضرری  
باشد بصورت فوری در اصلاح آن بکوشند

ازین مسئله که قدرهاریها هر فکر و امر را که در موضوع ترقیات حاضره بدousان میگفتم علی الفور قبول میکردند و در این موضوعها باوجودیک خودم خواهش مذاکره و گفت و شنیدرا می کردم لکن آنها چون ذوق ترقی برای دارند و اشخاص بسیاریک و باخبر بودند بی همه چیز نه تنها آن فکر را قبول بلکه برای من آنها مفاد و خوبی های آن را بیان میکردند - و با تاسف اظهار میگردند که چون تاحال از طرف احده برای ما درین مسائل یک تقویق و ترغیب نشده باشند متفق نهادم در همین اصول تازه است باز هم مادرم عادت و اصول موجود را فقط قدیمی گفته جاری داشته ایم

در موضوع خواستن مائین که پشم و محلج و امثال آن را تحت تضییق و فشار آورده یک مقدار کمتر آنرا چنانچه دیده باشد در یک حجم خورد می آورد . برای شان گفتم که بجهای اینکه همه تجار است نگرانیان یک مرد هستند که از صبح تاشام پشم را در جوالها بهزار تکلیف پرمی کند . و چشم هایش از مژه او فرق و تمام وجودش مانند مویهای سرش زولیده و بشم آلوده است و کار شما را بدون نوبت نمی کند چرا یک پریش بشم را نمیخواهد چند نفر شان بمن اعتراض کردن که آن را پریش نی ! بلکه پریس میگویند گفتم میدانم که پریس میگویند لکن زبان غلط شد . مقصدم ازین حکایه آن بود اگرچه که تجار قدهار تایلک درجه صاحب بضاعت هم میباشند ذوق خوبی هم دارند و از اصول تازه دنیای متعدد نجوبی مستحضر هم میباشند باز هم فقط اصول قدم گفته چرا کار میکشد . زیرا در قدهار نیز اصول تجارت شخصی جریان داشت و هیچ که از کم بازداشت قدهاریها بی بضاعت ابراز هست نمایند - زیرا شرکتی باصول حاضره وجود نداشت که دران بسیاری نفری شریک می شوند و منافع زیادی را از ان می برد - بنابران من از متفق شرکت بدousان معلومات دادم و نصانع لازمه نبودم - این بیانات من فوری برآنها اثر انداده نه تنها برای تاسیس شرکتهای متعدد اظهار آمادگی خودشان را نشان دادند بلکه در همان مجلس محضور در موضوع تشکیل یک شرکت باهم دیگر بصورت فوری گفت و شنیدرا آغاز کردند - چون من این شوک و بخت و دلچیلی آنرا باین اصول جدیده دیدم و این تصمیم جدی آنها را نسبت به دار نمودن شرکت ملاحظه کردم برای شان گفتم که درین مسئله اینقدر ترسی نکنید و سرعت را بکار نمایید بلکه اینداده است - جیز یکه یک ملت را بظاهر دوست و دشمن با وقار افتد علم است - جیز یکه یک ملت را بظاهر دوست و دشمن با وقار و صاحب اعتبار نشان میدهد همین علم است - جیز یکه حقیقتاً یک ملت را زنده و یک مملکت را با ترقی می سازد علم است .

مدیر زراعت قدهار را موقوف کردم زیرا کاری نموده است باوجود ایکه حکومت تاحال در قدهار کدام همی نکشیدم و نه بکدام کاف کار انداده است که ازان رخاوت یافعالیت حقیقی مدیر زراعت معلوم می شد . باز هم درین قدر مدت درازی که او به این کارمنوظ شده است هیچ نوع معلومات مفیدی را بحکومت در شبمه کار خود بر همین اندازه که من در اقامت چند روزه حاصل کرده ام نداده است و نه یک آرزو و فکر خود را نسبت به ترقیات امور زراعی آنچه که اظهار آن جم فی ! بلکه بالعكس موجب مبنویت من می باشد اگرچه فی الحال بقولیت آن حکومت

اول باز خود را تکمیل کردند .

خدما بر سر شما خواری شاورد اول چیزیکه شما را حقیقتاً از فلاکت و پریشانی نجات می دهد همین علم است .

طیبی است که از رسیدن مصیت نه قوت و نه تجارت و نه زراعة و نه دیگر امور جهانداری شما برحال مانده می تواند ، فقط چیزیکه نه تنها شما را نگهداشی بلکه باز همان قوت و نروت و هستی شما را بایس برایتان تهی و آماده میکند همین علم است و کمال قوت و نروت بی علم ماند برای توز است که باندک زمان از دست می برد - زیرا اگر قوت و اسلحه و نروت شما را یک مرابت داشتند از دست تان ربود و نهارا مفلس و درمانه و عاجز ساخت باز چه میکنید - اگر علم داشتند از دماغ و فکر عالی خویش مانند جرمن باز مالک همان قوت و سلطنت خویش میشود و الاتامه و بر باد می شوید !

پس هر قدر یکه در راه تحصیل علوم و قون کوشش کنید و مبالغه بسیاری را بخرج بر ساید صد چند آن منفعت می برد برای یک ملت که حیات باشرافت خود را دوست داشته باشد پیشتر از همه چیز علم و فن و پیدا شدن دماغ های عالی در وطن ضرور است . و قدریکه انسانها ازین چیز های مهم مستقی شدند طبعاً جمیع مقاصد و مطلوبهای خویش میتوانند که بدون یک مانعه بر سند و ملت و مملکت شان در دین و دین نزد دوست و شمن معزز و رفراز می باشند !

در قدهار نیز اصول تجارت شخصی جریان داشت و هیچ که از کم بازداشت قدهاریها بی بضاعت ابراز هست نمایند - زیرا که هر چیز گم شدن وزوال می یزدید - تنها چیزیکه باقی میماند شریک می شوند و منافع زیادی را از ان می برد - بنابران من از متفق شرکت بدousان معلومات دادم و نصانع لازمه نبودم - این بیانات من فوری برآنها اثر انداده نه تنها برای تاسیس شرکتهای متعدد اظهار آمادگی خودشان را نشان دادند بلکه در همان مجلس محضور در موضوع تشکیل یک شرکت باهم دیگر بصورت فوری گفت و شنیدرا آغاز کردند - چون من این شوک و بخت و دلچیلی آنرا باین اصول جدیده دیدم و این تصمیم جدی آنها را نسبت به دار نمودن شرکت ملاحظه کردم برای شان گفتم که درین مسئله اینقدر ترسی نکنید و سرعت را بکار نمایید بلکه اینداده است - جیز یکه یک ملت را زنده و یک مملکت را با ترقی می سازد علم است .

از وقت است .

بالعكس آنرا می افزوود چون محاکومت خود را خیر خواه خود میدانیم دران مسئله هیچ نیگفتیم و به بسیار خوبی بقولیت آن حاضر بودیم .

خاص اینکه هر اظهار و خواهش را که من اگرچه بصورت مشوره با نهایا میکردم در جواب ازانها بجز از تسلیم و قدا ساختن سر و مال شان یک صمیمت فوق العاده دیگر چیزی شنیده نشد حتی من ازین وضع آنها می شر میدم که آنها در هر مرتبه صاحب اختیار و خیر خواه خود مرا میگویند باز من جرا به آنها داخل مذاکره میشوم که باز آنها همان اظهار خود را بمن تکرار میگویند - گویا ازین رهگذر ترق خواهی و معروف پروری ، تجارت قدهار بر سوداگرها کابل گویی سبقت را ربوه اند و موجبات محبت و خصوصیت مرا بخود پیشتر جاب کرد که با وجود کم بضاعتی و بی تروی که در اعلی ترین دکانهای شان بیش از بیخ هزار روپیه را مال دیده نمی شود و حق از پس هر قدر یکه در راه تحصیل علوم و قون کوشش کنید و مبالغه بسیاری را بخرج بر ساید صد چند آن ها علی العموم خالی می بشد بدون یک گفت و شنید و مذاکره به محض اظهار فیصد یکرویه بر محصولات شان اعانه معارف را قبول دار شدند - و تاجرها کابل با وجود این وسعت تجارت و گذشت تروت تاحال برای ترق معارف و از دیاد امور عرفانی مملکت خویش هیچ یک اقدام شایانی نکرده اند - نی ! بایند تجارت کابل معارف خود را

دوست داشته باشد باشند و برای اعانه امور عرفانی خود کم بقیمت مناسب زیاده تر درینصورت بفروش میرسد . ساقی ازین تجارت قدهار در مال روآنگی و آمدنی خود را فیصد ده پیش ازی معارف خود را اعانه میدادند من خواستم که چیزی در بیول اعانه معارف خود بیفزاشد . یک روز عموم شان را خواسته خیال داشتم که درین زیادت بیول اعانه ممکن است که چیزی بحث و مذاکره کرده در آخر آنرا قبول خواهد کرد ، لپهذا من اسas کلام خود را ازین فقره درین موضوع برداشت که من تا بنجاه قلم محصل شما را که فلان فلان چیز است کم کردم تهای خیالدار یک قلم آنرا که اعانه معارف است چیزی زیاده کنم آنها چون معارف خود را دوست داشند و آرزوی ترق ملکت خود را زیاده تر بدل می بروزند بجز اینکه درین مسئله لا و نم گفته باشند فقط همه شان یک آواز گفتند که این بیول برای ترق خودها و رای تعلیم و دانسته شدن اولادهای این گرفته میشود متحقی هیچ گونه گفتن چون و چرا در عدم قبول آن ندارم و بسیار و چشم به بسیار خوبی عوض فیصد ده پیش ازی میگوییم در رفت و آمد اموال تجارتی خود را برای معارف خود اعانه میدهیم علاوه برین سر و مال و جان و هستی ما فمای حکومت است . این احسان حکومت میباشد که چند قلم محصل مارا بدون از خواهش ما کم فرموده اگر

وقتیکه در کابل بودم میشنیدم که تجارت قدهار از دوری سرای کمرک آنجا شکایت دارنداما چون بقدهار رفت و دیدم که سرای مزبور تقریباً به مسافة بیجند قدم بیرون از شهر افتاده بود و تقریباً مانند سرای مادر و زیر کابل است بلکه بهتر و خوبتر ازان بود

و آب و هوای موقعیت خوبی داشت علاوه بعضی اصلاحات و ترمیمات جدیدی را نیز دران هرایت دادم که ازان زیاده درخوبی آن بیفزاید منصف های کمرک را اگرچه چندان خیانی از آنها سرزده بود اما چون مدت زیادی بکار آنجا مقرر بودند ، مناسبتاً موقف کردم و امر دادم که عوض اوشان دیگر اشخاص لائق و درست مقرر گردد . محصول اکنی از اخراجات قدهار را تایید گرچه کردم چنانچه ازیم سابق برین فیصد ( ۶۵ ) روپیه محصول کم کردم چنانچه ازیم سابق برین فیصد ( ۴۰ ) روپیه محصل دارد . گمان نمکند

گرفته میشد حل فیصد ( ۴ ) روپیه محصل دارد . که ازین قلت محصل خساره عائد خواهد شد بلکه بالعکس محصولات آن باند خواهد رفت زیرا اگر محصل مال بلند گرفته شود تجارت رفت و آمد و معامله میکند . واگر محصل اندک باشد طبعاً سوداگران زیاده تر مال خریده ویشت رفت و آمد میکند . روز اخیر برای عموم اهالی قدهار گفتم که درین کم مقرر داشتن محصل تها من رعایت حل تجارت را نکرده ام بلکه پیشتر منفعت و فائده شما را زیر نظر گرفته ام زیرا اموال شما به قیمت مناسب زیاده تر درینصورت بفروش میرسد .

سابق ازین تجارت قدهار در مال روآنگی و آمدنی خود را فیصد ده پیش ازی معارض خود را اعانه میدادند من خواستم که چیزی در بیول اعانه معارض خود بیفزاشد . یک روز عموم شان را خواسته خیال داشتم که درین زیادت بیول اعانه ممکن است که چیزی بحث و مذاکره کرده در آخر آنرا قبول خواهد کرد ، لپهذا من اسas کلام خود را ازین فقره درین موضوع برداشت که من تا بنجاه قلم محصل شما را که فلان فلان چیز است کم کردم تهای خیالدار یک قلم آنرا که اعانه معارض است چیزی زیاده کنم آنها چون معارض خود را دوست داشند و آرزوی ترق ملکت خود را زیاده تر بدل می بروزند بجز اینکه درین مسئله لا و نم گفته باشند فقط همه شان یک آواز گفتند که این بیول برای ترق خودها و رای تعلیم و دانسته شدن اولادهای این گرفته میشود متحقی هیچ گونه گفتن چون و چرا در عدم قبول آن ندارم و بسیار و چشم به بسیار خوبی عوض فیصد ده پیش ازی میگوییم در رفت و آمد اموال تجارتی خود را برای معارض خود اعانه میدهیم علاوه برین سر و مال و جان و هستی ما فمای حکومت است . این احسان حکومت میباشد که چند قلم محصل مارا بدون از خواهش ما کم فرموده اگر

ترتیب میشود ممکن است که کاربری های خوبی درین حرص برآید زیرا در همین حدود یک کاربری بسیار اعلی و خوبی است که آنرا کاربری صادر میگویند و اگر کاربری هم حسب دلخواه آب نداد چند پایه مائین آبکشی که بذریعه باد و باوسطه سوخته ازدن بوته حرکت کند برای سرعتی آن دسته های خشکیده تهی خواهد شد.

برای دیدن نهر ارغنداب یا کشیدن کاربری وباکار انداختن مائین آبکشی مهندس فرستاده شده است تابعه از علم آوری وصوابید خود هر صورتیکه ممکن و مفید بود روی کار آورده شود تا حال از سنك شاه مقصود که یک کان بسیار عالی آن در قدهار است بجز از تسیع دیگر چیزی ساخته نمیشود کاریگر ن آنجارا خواسته و برایشان دلده داده هدایت و نمونه داده تا علاوه بر تسیع دیگر اسباب نیازان ماتن اقسام ظروف و حماقی گردان وزنجیر ساعت و انگشت و امثال آن بسازند چنانچه اشیائی را که قرار نونه فرمائش داده بود ساخته من آورده اند هر چیز آن بنظرم بهتر و بلند تر از جواهر آمد مثلاً این یک زنجیر ساعت که فی الحال نزدمن است — علاوه امر داد که یک مائین سنك بری نیز برای سنك شاه مقصود آورده معدن قدیم آن که میگویند بسیار خوب بود نیز جستجو شود.

از بات کان طلا چون از طرف عبدالواحد خان شناوری که خواهش کار آنرا کرده بعد مایوس شدم هدایت کردم که وزارت تجارت درین موضع دیگر ثبت نماید.

جون حکمنامه های وزارت تجارت ملاحظه شد بجز ازینکه در یک مکتوب عوض سنه ۱۳۰۴ نوشته شده بود دیگر چیزی بنظر نیامد چون این غلطی یک خیانت و جرمی تشکیل شده واژ متن مکتوب اصل مطلوب افاده می شد وزیر تجارت را درین مسئله ملامت نمی کویم فقط امر میدهم که معاش روزه هان کاتبی که این خط را نوشته است کسر شود

### (تفیش عدیه) —

بعد از تمام کار تجارت اوراق عدیه بن آورده شد قدران گه در عدیه تحت تفیش آمد و برایتان خوانده میشود (سرمانشی صاحب فقرات منبور را فرائت نمود)

خرابی وی انتظامی زیادی که در قدهار ملاحظه میشد تمام را که مدار حکم شده بتواند نمی بافت همانا که در باره اوان از سجل اهالی کار میگرفت اگر تمام اهالی به بدی او اظهار میکند اهالی اعدام و اگر نصف خوب و نصف بد میگفت جلس دوام و اگر شده بود و اگر های کوتولی از سابق همچین در هم و پریشان اعدام کردند این افراد میگردند البته بقرار لازمه سزا مینیافت شک و یاکثر به بدی این افراد میگردند البته بقرار لازمه سزا مینیافت فقط چه بود که قوماندان سابق یک شخص میگردند وی خبر بود و این طور کارها دوایم قوماندانی خود کرده گله یک شجر و گشن

حاضر نمی بود برگز اطلاع داده بود؛ چون جوان بود و ممکن است که اگر بکوشد چیزی می شود برایش و عده دادم هنوز مانیکه تو خوب تربیت یافته و لیاقت خود را نشان دادی چون از تو یک خیانت و جرمی نمی داشتم ترا بکاری که سزاوار بودی مقرر می کنم پس ازین سفر شنیده بودم که قدهار ای خاطه سرسپر و شاداب است اما در موقعیکه عنم آنجارا نمود از غنی الی دهن دروازه قدهار بجز از داشت های خشک و تفییده و خارزار هیچ یک آبادی مهم بنظر نیامده حق و قیمه قدره هر صورتیکه ممکن و مفید بود روی کار آورده شود ما گفتند که بعد از (۵) میل شهر قدهار است من باور نمیگردم زیرا هیچ یک درخت و سبزه و آبادی بنظر نمی آمد حتی بهلوی یک دهی که مانند بگرامی و کابل از قدهار دور بود خواست که نان چاشت را بخوریم یک سایه ویک سریناها که انسان بزر آن بنشیند یافت نمی شد.

سر تاسر این دسته هاییکه باطراف و نواحی قدهار است حتی تاغزیت با ناداره قابل زراعت و حاصل خز بنظرم آمد که اگر شخصی بخواهد که یک حصه زمین را از میان این دشتها باصول دهقانی کرد بندی و جوی کشی نماید که از میل دریک روز تا (۵) جریب زمین را درست کرده می تواند مگر از حیث که اینقدر را اراضی خراب و لامزروع افاده آب ندارد. فکر خودم در آبادی و سرینی این دشت های سر و سامان جنان است که اول باید حکمت در بی آبادی آن حرص زمین برآید که در اطراف و نواحی شهر نزدیک است تا هالی روزانه بر زمین های مذکور رفته کار کنند و شب وایس بشهر یابند ماتن دشت کان طلا و میدان طیاره و اطراف مزیلغ که بشهر بسیار قریب است زیرا که اگر اول دشت های دور دست را آبیاری کنیم کدام کسی در آنجارفته زراعت خواهد کرد؟ و باز حاصلات آنرا یکجا خواهد برد و خواهد فروخت؟ تهیه ابار و دیگر لوازم کار وبار خود را از کجا خواهد کرد؟ نی و قیمه آبادی از نزدیک شهر شروع شد رفته رفته سلله وار اگر خواست (خدا) بود یک بعد از دیگری تمام این دشت های خشک حسب فرست و موقع آباد خواهد شد واهی بمقامات لازمه آن دهات و قریجات را تشکیل خواهد داد. برای آبیاری این دشت های خشک و اطراف قدهار چین اندیشه شده است که اول از دریای ارغنداب محدود کان طلا نهر کشیده شود چنانچه اهالی اظهار میدارند که آثار کدام نهر قدیم نیز درین حوالی موجود است و اگر نه ممکن نشد خیال دارم که یک قطار کاربری از طرف حکومت کشیده شده برای اهالی بقطط داده شود اگر شوق اهالی پشت دیده شد البته در موضوع کشیدن کاربری واعطای تقاضی و غیره امور یک قانون

نکند حتی قوماندان حالیه کوتولی اصلاح خرابی و جمع آوری کارهای اوراق اورا اگر تاکسیل کرده بتواند خوب است از جله بی پروانی های او یکی اینست در عین زمان که معامله سمت جنوبی شدت داشت چند نفر محبوس از توقیف خانه بنای فرار را نهاده بود اما بر فرار کامیاب نشده دستگیر شدند نائب الحکومه ازین کیفیت یعنی اطلاع داده سرورته خواست من برایش نوشت که از جله این نفریکه قصد فرار را نموده اند باز طبله گناه شان سخت و درین اقدام فرار نمودن نیز شنیده باشد ای بیست (۲۰) نفر اعدام شوند چون از قوماندان سیاهه های باشد ای

نفریکه قرار قرار داد بودند، خواسته شد در آن ضمن نوزده نفر محبوس را که محروم گفته می شدند و در شرارت گرختن باهم ساخته بودند آورده و یک نفر دیگر محض جهت تکمیل حساب پیست نفر شخصی را آورده که بر فرای آن ش از حکومه کدنی وارد می کز و تحویل توقیف خانه شده است و ذر کتاب تو قیف خانه این مسئله ظاهر است که بندی های ش ب پنج عده قصد فرار را داشتند ولی دستگیر شدند و فلان سندی بر وزینجنه ب بواسطه ملازم حکومه کدنی تحویل توقیف خانه گردیده است لهذا نظر به این غفلت وی پرولی وی خبری و امثال آن اورا به مراء مأمور توقیف خانه قدر هار که آنهم یک شخص خان بود و اکثیری نفری را حسب الامر نائب الحکومه حسب الامر به کرده بود بعد از تشهیار ام داد که پنجال محبوس باشد.

چون از نائب الحکومه پرسیدم که تو چرا درین مسئله علم پاوردی و آن مظلوم بی گناه را ناچار اعدام کرده گفت که من سیاهه نفری را که قصدآ فرار از جبهه، داشتند از قوماندان خواستم در نتیجه نام نویس همین نفری که اعدام شدند برآم آورده شد علاوه اما از هر کدام آنها بحضور مجلس سایق کار میکرد و خیال امیت و آرامی همکلت را می داشت به هیچ صورت درز و فساد یشه از پیچه قانون خلاص شده نمیتوانست ویان اندازه چشم سفید نمی شدند چرا که اولاً اثراور در زیر حکم محکم عدیه آمده مجازات میشدند و اگر شرعاً بر مظلومین حرم ثابت نمیشد همانا که فیصله او را محول به مجلس مشوره میکرد تا از آنجا از روی امارات قویه و قرقان مشته زیر باز پرس می آمد و اگر مجلس مشوره هم روی چیزی اشاره و کیا هم چیزی نگفت.

اگرچه قوماندان موجوده کوتولی در فراهم آوردن امیت و انصباط آنها کاری نموده و این اختیارات کافی را که ظلمات برای او درین مورد داده است باصول مظلوب در معرض اجرا شاورده و هم دفاتر و اوراق او بسیار بی نظم و بی ربط بود اما چون نویسنده بود و نگارهای کوتولی از سابق همچین در هم و پریشان افتاده بود و یاکثر به بدی این افراد میگردند البته بقرار لازمه سزا مینیافت افتاده بود و آن شخص او خیافت عکاهمد ام که بیوست محض نیز رتبه مذهب آن تغییل کرده شد.

وعرائض اعاليٰ که به او نموده بودند همگي بی جواب مانده بود . ازى خبرى نائب الحکومه يك حکمانه از ولایت قندهار برای خود حاصل کرده بود که از روی او تگرگي وبالادست عموم قفات مربوطه ولایت قندهار را بخود مخصوص نموده بود به اين سورت گويد است وزبان تمام محکم عدليه آنجارا بسته همه را تابع خواهشات و فرمایشات خويش نموده بود بر ايش گفتم که خودت دم از قانون معنى از روی کدام ماده قانون خود را آمر عمومی تمام قفات قندهار سداده و بر آها کار ميکي ؛ گفت بن چه صراحت نائب الحکومه که آمر ماقوم است حکمانه داده است که بدست دارم .

خودش خود را وصي يك شخص صاحب نبوت و متمول مقرر داشته و بر خلاف رضا و خواهش و رنه او تمام مال و جایداد و هنري اورا حيف و ميل کرده است .

ازوي پرسيدم که توافقني بودي پس جه لازم بود که خودت دادن اشاره آن نيمکوشیدم اصلاح آن نمکن نمود چنانچه در  $\frac{1}{2}$  هفته اول که من سرباز خواست را نگرفته بودم و خجال ميکدم که شايد همین آمدن من در قندهاريک اثری بر اشاره اراده آها از شرات خود دست بگيرند ، اما ديدم که فائد نکرد آخر

خلاص اينکه : آن بدجنبت چالاک جان چال باز يك آدمي بود که بعد از اتمام امور تفتيش از خياني در وجود خبود برای تبيجه تفتيش خسود از حد سفاربود . و ازعر کي در نتائج تفتيش معلومات ميخواست چون بکسي پيش از دربار عمومي در آن موضوع معلومات بود محيوراً بدين فريض و بهانه خواست که ازمن معلومات حاصل کند : فدائت شيم ! خواندن حجازه حق شما است آيا بعد از نمکه شما بقابل تصریف ردید از حضور شما بذیافت در صلوة حجازي و امثال آن نائب الحکومه صاحب مقرر است یامن که قاضي ميپاش :

گفتم با به جان اين جواب را بروز رفتن رايت خواهم گفت گويا مطلع ازین سوال اين بود که آيا من قاضي ميپاش باهلو قوف می شوم .

خلاص اينکه اينظوري يك قاضي مقدس اسباب سار فته انگر کثر ديده شده است مفتفيون و رفقاء مابين قانون دافع که اورا قاتل نميکرد بيش خاصه شخسي را وصي مقرر داشته بود که على العموم مردم اورا قاتل موصي له ميگفت .

جزائيه يابند مدافعي شرعی و قانوني ميکرد شخسي را وصي مقرر داشته بود که هر قدر که سعی کرده مي شد که نخت کدام مواد

عموم اهالي در قاتل بدن او هنوز شده تماماً قتل موصي له را به او نسبت ميدهند خيراً اورا موقوف نکردي ؟ گفت درين مسئله عام قاضي شرط است حلانك عمل من بروي تا حال نريشه ات .

مقصد ازین قيل سوالات بسیار ازوی شد مگر دو هم آن راه

گریز راى خود پداشت . مگر کارهای او تماماً تمام بود

هرقدر فقره که بصورت صرافعه برآئي وی رسیده بود تماماً مغفل

مان طوری که سر کاتب گهرک را در خدمت آن شریک گفتم همچنین سر کاتب قوامداری مادرین جزاهاي ساقه و لاحقه مجرم دانسته اورا با چند نفر دیگر که پيش کاره نام فداد و خراب بودند موقوف کردم .

در محکمه ابتدائيه قندهار يك جيز مهم تنظيم نخورد تها قاضي آن در ايقاع وظایف خود سقی ميکرد و کارهای خود را

برزودی انجام نمیداد : چون از وي علت اين معطلي پرسيدم شد گفت در زودی فيصله گناه من بيت زيرا مدعی يکدفه به محکمه آمد . دعوى را يكي داير ميکند و باز برای آوردن

شاهد و گواه مهلت خواسته ميروند و تعييي آيد چون شرعاً مدعى جيراً برای اقامه دعواي خود خواسته نمیهد و خود مدعى هر ام و رسیده باشد حاضر ننمیشود . ازین رودر فيصله هاي

دعاوي درينگ میاقتدي چون اين مدافعه او قانوني بود گفتم برای آينه چند مواد قانوني ساخته مي شود که از روی آن مدعى تايل موعد معين شاهدان خود را حاضر کند و دعوى او در محکمه فيصله گردد اگر در همان موعد حاضر نشد دعوى او باطل و اگر قاضي فيصله او را نکرد عجم قرار داده شود .

در باره قاضي ابتدائيه سابق که بسیار در کار خود غفلت کرده بود امر دادم که محض تعيي (۱۵) روز جس شود

متفين در باره اين قاضي بن گفتند که وي يکمدد معور بيش سفید است اگر از محبوس نمودن آن صرف نظر شود بهتر است زيرا طاقت بندی گري را ندارد و سيار نمکن است که در همین

موعد جس خود در توقف خانه بميدد ، گفتم هرچه که باشد من مكافات و مجازات خود را بهر نوعیک باشد بر خود هلن شخص جاري گرني هست .

قاضي صرافعه يك شخص بسیار چالاک زيان باز بد افصان مسد بود هرقدر که سعی کرده مي شد که نخت کدام مواد

جزائيه يابند مدافعي شرعی و قانوني ميکرد شخسي را وصي مقرر داشته بود که على العموم مردم اورا قاتل موصي له ميگفت .

برايش گفتم جراحتل را وصي مقرر کرده ايد ؟ گفت من اورا قاتل نی بلکه يك شخص متدين می لنگرام گفتم بعد از نمکه

عموم اهالي در قاتل بدن او هنوز شده تماماً قتل موصي له را به او نسبت ميدهند خيراً اورا موقوف نکردي ؟ گفت درين

مسئله عام قاضي شرط است حلانك عمل من بروي تا حال نريشه ات .

مقصد ازین قيل سوالات بسیار ازوی شد مگر دو هم آن راه

گریز راى خود پداشت . مگر کارهای او تماماً تمام بود

هرقدر فقره که بصورت صرافعه برآئي وی رسیده بود تماماً مغفل

من ميکردم که مبادا کي گمان برد که فلان هم خان است و اطلاع اين مسئله را بمحکومت بدهد .

خلاص اينکه اشاره بدجنبت و خان هاي خان را که لايق و سزاوار اعدام بودند در قندهار کشتم و چيزى از آها را با آنایك در اطراف سياست حکومت نکته چني ميکردم و بر نظامات تقدیم واسباب منافرت را يين ملت و دولت تولید ميکردم با فری ايکه برای اموال گریزی تسهيلات بهم ميسانيد و براي بيت المال اسلامي ازین رهگذر خساره رساندن را کسب خودقرار داده بودند امر دادم که محبوساً بکابل آورده شوند و تازمانیک اعتقاد حکومت برآها کامل نشود و اهالي نسبت بخوبی آهاسجل .

شرعی در غیاب شان روانه نکند بوطن خود آمدند نیتوانند .

جاي محکم عدليه موزون بود چون احترام شرع شریف ضرور است امر دادم که محکم را يك جاي مناسب در ارگ یاوروند .

چون مكتوب هاي وزارت عدليه ملاحظه شد از زمانیک عبدالحید خان و گل یامعین عدليه بود دوم مكتوب غلط بقندھار

فرستاده است که دران تعداد عمومي فقراء فيصله شده و مراجعي طلب حقوقی و جزائيه ولايت قندهار را خواستار شده است

و نائب الحکومه بجاي اينکه بدت آوردن اين معلومات را بقونمانداني محول ميکردم اين مسئله را باقاضي صرافعه سپرده و بواسطه آن تكميل اين معلومات را خواهان شده است قاضي صرافعه هم فقط به همین قدر يك تکليف خود را آمر عمومي تمام قضا

و محکم قندهار بذنده است کاري کرده است که حاجت بيان ندارد .

این معلومات را اگر وزارت عدليه بقسم معلومات خواسته باشد در آن چيزى گفته نمیتوانم بجز اينکه برای معلومات فقط

خواهش را پيورت فقرات جزائيه کفايت ميکرد و خلاصه فيصله جات و مردم فساد يش را برای عزت و افتخار خود نگه مي داشت تا مردم بگويد که فلان خان درزد هاي خوبی دارد و با هر کس

که مناسبات خراب شود ، آتشخصل تباہ و خراب ميگردد .

و قيکه من سر باز خواست و مجازات را بالاي اين خانه ای خان گذاردم و چند نفر شانرا يمدریغ گشتم و چند نفر شانرا عبوس کردم و برای دیگران شان اين چين يك قانوني وضع کردم که خوانين از جرم و خيانی که نفری و متعاقبن اوشان بگت مسئوله ، و در مرتبه اول یاجرم یاجنس و بمرتبه دوم حما جبس و از آها باز خواست ميشود ، يك بويشاني و سرگردانی برای خوانين آنجا پيدا شده بود که من بواسطه اطلاعات خفие ازان آگاه شده ام که چون به بازار مي آمدند مردم را از دور و ييش خود مانعند و کسی را با خود هم نگذاشتند که با اوشن متعاقبت یا متابعت کند حتی خود ها نمیگذاشتند که با اوشن متعاقبت یا متابعت کند حتی بعض دکاندارها و روشناسه اينکه با اوشن حسب عادت احوال بر می ميکردم آها را به کنایات و اشارات ازین الفات شان

## کمسیون در قل

کمسیون افغانی که برایست حضرت عالی آقای میرزا محمد خان معین اول و زارت حریه و عضوت آقای حفظ الله خان مدیر و زارت خارجی و آقای علی اکبر خان کندک مشتر برای تحقيقات و تصنیف واقعه و تنازعات مربوطه به چيزی در قل تعیین یافته بود . روز شنبه ۲۶ حوت ازراه پنجشیر بطرف سمت مقصد روان گردید .

## (فرانسه)

از مدتی است که حکومت فرانسه گرفتار یک بحران شدید اقتصادی بود توازن میزانیه (بودجه) آن حاصل نمی شود و درنتیجه کابینه ها بس از اندک مدت از تشکیل خویش سقوط می نماید. در این روزها بازمیثمه کسب شدت و صعوبت نموده در عین زمان که مسئله دخول جرمی در جمیع اتفاق مال تحت بحث است و با این مسئله فرانسه ب نهایت علاوه مندی دارد که بر فوق مصلحت او تصفیه شده برای جرمی درشورای مجلس کرسی مستقل داده نشود، میتوان رئیس وزیر ای فرانسه استغنا می نماید. از اطلاعات اخیره معلوم شد که میتوان برای ریاست وزرا را با وزارت خارجی قبول نموده به تبدیل بعض وزرا کابینه جدید تشکیل داد.

## (سرحد)

لاردریدنگ واپسی هند اراده دارد که برای چند روز مشاور بیاید وریل خیر را که بموضع افتتاح آن با برگالت خانش توانست حاضر شود ملاحظه نماید.

## (اعلان)

چون مشترکین در فرستادن پول تساهل و تسامع گذرا نیزند اداره هم از تساهل و تسامع خود با ایشان که محض اطلاع دادن ورقمہ فرستادن، اخبار برای شان می فرستاد صرف نظر نموده سراسر ایالات نوکه سال (۱۳۰۰ ه) هجری است تاکی پول اخبار را اول تادیه نکند اخبار برایش فرستاده بخواهد شد. حضراتیکه میل به خواندن اخبار امان افغان دارند پول اشتراك سال نورا (۱۲) افغانی بزودی بفرستند، تا اسم شان درج دقت و اخبار از اول سال برای اداره امان افغان شان برسد.

## (اعلان فروش)

قلمه ورنه حبیب الله خان مرحوم واقع خدان که عمارت خلی عالی وسیع بطرز جدید باهمه لوازم حیاتیه و مقدار اراضی من رویه را داراست از طرف ورنه مرحوم مذکور به قیمت مناسب فروخته می شود هر کس میل خریدن دارد به اوان مراجعت نماید.

در مطبوعه ریاست شرکت رفیق طبع گردید

## حواله خارجیها

## (مساکش)

میان امیر عبدالکریم و حکام فرانسوی یک مفاهمه شده که از روی آن فرانسوها میتوانند به اسیرهای فرانسوی که پیش امیر عبدالکریم میباشد معاونت کنند چنانچه یک هیئت طبی فرانسه برای تداوی آنها روانه ریف شده است. ممکن است اسپانی هم درخصوص ایران خود که پیش رفیقها میباشد همین طور مفاهمه نموده هیئت طبی با اسباب لازمه بفرستد.

عسکر ریف گرد آمده دارد بنای مهاجرات بگذارد چنانچه بحدود یک جیه خانه اسپانی گلوه بازی شدید کردند و درنتیجه هشت نفر کشته شد لاکن به جیه خانه گلوه های توب اصابت نکرد. عسکر اسپانی هم یک حمله ابتدائی نمود ولی در اقدام خویش ناکام شد و عسکر ریف بر قلب عسکر اسپانی هجوم شدید برده آنها منشر و محبور به رجمت نمود.

از چند روز است که عسکر ریف اقدام به تجاوز نموده در اطراف طیلوان جنگ شدید جاری است چنانچه شدت جنگ را از پرشدن شفاخانه های اسپانی از محرومین تقدیر میتوان نمود. میگویند عسکر اسپانی از هاجم و تجاوز صرف نظر نموده کرهی را که بطرف جنوب و مغرب شهر واقع و قله آن بددست عسکر ریف بود تویخانه های شان از نجا گلوه بازی میکنند محاصره نماید و راه رفت و آمد و کک رسیدن را بر عسکر ریف قطع نموده آنها را از گرسنگی به تسیم شدن محبور کند.

فرانسوها اطهار میدارند. مقاطعی را که در حدود متعمونه ریف ها از و ایشان تصرف نموده بودند دو باره بددست آوردند. روز چهارشنبه تویخانه ریف بر طیلوان گلوه بازی شدیدی نموده در نتیجه ۸ قر اسپانی قتل شد.

یک دسته فوج پیش پنجهزاری اسپانی جیال زیتون را که در جنوب مغرب طیلوان واقع است تویخانه ریف ها آنچا بود تصرف نمودند، لاسکن ریف ها توبهای خود را با خود برده غنیم شوانست آن را به غنیمت ببرد، صرف چند نفر عسکری را دستگیر نمودند. در این تجاوز اسپانی ها (۵۰۰) نفر آنان قتل شدند.

پر عودی روبرو دکتا تور اسپانی اطهار داشته که در خصوص سراکش بیار گشته و نوشته ام، بایستی ما همان راه را تعقیب نمایم که سال گذشته بران میرفیم. یعنی در خصوص سرکوبی عبدالکریم و شورشیای ریف میباشد با فرانسه دوستی وفادارانه داشته باشیم. من به شما یقین میدهم که از دوستی و اتحاد اسپانی فرانسه ویش از ختم سال روان مثله سراکش حل می شود.